

بزرگترین خطری که جهان را تهدید میکند

آیا کنفرانس جهانی مواد غذایی در رم میتواند راهی برای رفع بحران

خطرناک کمبود مواد غذایی در جهان بیابد؟

کنونی مواد غذایی و خطر تشدید این بحران در آینده اینست که تولید مواد غذایی وفر آورده های کشاورزی در جهان به نسبت ازدیاد جمعیت افزایش نمی یابد و بدیهی است هر چه دهان های بیشتری برای خوردن باز شود سهمی که برای تغذیه هر انسان میرسد کاهش مییابد. بنا بر این مسئله تامین مواد غذایی کافی برای افراد بشر با مسئله کنترل جمعیت و جلوگیری از افزایش بی تناسب آن ارتباط مستقیم پیدا میکند و کنفرانس مواد غذایی در رم ناچار است برای حل مشکل کمبود مواد غذایی تامین هدفهای کنفرانس جهانی جمعیت بخارست را در رأس برنامه های خود قرار دهد.

بموجب آمارهایی که از طرف سازمان خواروبار و کشاورزی جهان منتشر شده نسبت افزایش محصولات کشاورزی جهان در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ بیش از ۳۳ درصد در سال بوده که با توجه به نسبت ۲۶ درصد افزایش جمعیت در سالهای مذکور، وضع تغذیه مردم جهان در

از روز پنجم تا شانزدهم نوامبر (۱۴ تا ۲۵ آبان) يك کنفرانس جهانی درباره مواد غذایی در رمقر سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد در رم تشکیل خواهد شد. این کنفرانس درست در زمانی تشکیل میشود که بحران کمبود مواد غذایی در جهان به نقطه اوج خود رسیده و بدون يك تلاش جهانی همه جانبه برای حل این مشکل، قحطی و گرسنگی با ابعادی بمراتب وسیعتر و وحشتناکتر از آنچه تا کنون دیده شده جامعه بشری را تهدید خواهد نمود.

برای اینکه به اهمیت حیاتی این مسئله و حساسیت مسائل مورد بحث کنفرانس جهانی مواد غذایی در رم پی ببریم کافیست وضع کنونی تولید و مصرف مواد غذایی و محصولات کشاورزی را در جهان از زبان ارقام و آمار رسمی سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار دهیم و روند افزایش تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی را با افزایش جمعیت جهان مقایسه کنیم. یکی از دلایل ساده و روشن بروز بحران

روزانه آنها از حد اقل ضروری برای فعالیتهای حیاتی کمتر است از ۱۶۰۰ میلیون نفر تجاوز میکند از این عده قریب چهارصد و شصت میلیون نفر که بیشتر آنها از سکنه آفریقا و شبه قاره هند میباشند بطرز خطرناکی دچار سوءتغذیه و گرسنگی و دمرض انواع بیماریهای ناشی از کمبود پروتئین و مواد حیاتی هستند.

برای تشریح نابرابری توزیع مواد غذایی در جهان و فاصله عمیقی که از این حیث بین ملل مختلف جهان وجود دارد بار دیگر به آمارهای مراجع رسمی بین المللی متوسل میشویم؛ مقدار کالری دریافتی روزانه هر فرد در آمریکا شمالی بطور متوسط ۳۲۶۰ کالری و در باقی متوسط روزانه هر فرد در اروپای غربی ۳۱۰۰ کالری میباشد، در حالی که این نسبت در آفریقا تا ۲۱۶۰ و در خاور دور تا ۲۰۸۰ کالری تنزل مینماید. مصرف پروتئین روزانه هر فرد در مناطق مذکور نیز مقایسه شده و به ترتیب هر فرد آمریکائی روزانه ۱۱۰ گرم پروتئین، هر فرد اروپائی ۱۰۰ گرم و هر انسان آفریقائی، یا سکنه شبه قاره هند و جنوب شرقی آسیا فقط ۴۰ گرم پروتئین در روز دریافت مینماید.

عوامل نابرابری

این نابرابری در توزیع مواد غذایی در جهان محصول عوامل چندی است که اهم آنها از اینقرار است:

۱ - امتیازات طبیعی مانند رطوبت هوا و

این مدت بهبود یافته است، اما در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ نسبت افزایش محصولات کشاورزی بمیزان متوسط ۱۴ درصد در سال کاهش یافته و اگر این نسبت را با نرخ افزایش جمعیت بسنجیم رقمی که بدست می آید ۰٫۶ درصد است. عبارت ساده تر رشد تولیدات کشاورزی به نسبت افزایش جمعیت در دهه گذشته فقط شصت در صد بوده و سهمی که برای تغذیه هر انسان میرسد نسبت به دهه قبل کاهش یافته است. این وضع از آغاز دهه جاری به اینطرف هم ادامه دارد و با همه تلاش هائیکه در جهت رشد تولیدات کشاورزی بعمل آمده، نسبت افزایش محصولات کشاورزی به نسبت رشد جمعیت نمیرسد.

مسئله مهم دیگری که کنفرانس جهانی مواد غذایی باید به آن رسیدگی کند نابرابری توزیع مواد غذایی در جهان و ایجاد یک مرکز بین المللی برای توزیع عادلانه محصولات کشاورزی و مواد غذایی است. در حال حاضر قریب نیمی از جمعیت جهان از حداقل مواد غذایی که برای ادامه حیات یک انسان لازم است (و بطور متوسط باید محتوی حداقل ۲۳۰۰ کالری باشد) محرومند، در حالی که میزان مصرف مواد غذایی نیمی دیگر بیش از حد متوسط و دمرورد بعضی از ملل آمریکا شمالی و اروپای غربی در حدود ۲ تا سه برابر ملل آسیا و آفریقا است. (۱)

بموجب آخرین آمارهای سازمان خوار و بار و کشاورزی جهانی تعداد کسانی که تغذیه

۱ - چگونگی توزیع مواد غذایی در جهان بر حسب کاری بموجب آخرین گزارش آماری سازمان خوار و بار و کشاورزی جهانی شرح زیر است:

کاری	تعداد	کالری	تعداد
۲۰۰۰	۱۵۰۰	۶۰۰ میلیون نفر	۱۵۰۰
۲۵۰۰	۲۰۰۰	۱۳۵۷	۲۰۰۰
۳۰۰۰	۲۵۰۰	۳۹۹	۲۵۰۰
۳۵۰۰	۳۰۰۰	۱۴۹	۳۰۰۰
۴۰۰۰	۳۵۰۰	۳۳۰	۳۵۰۰
۴۵۰۰	۴۰۰۰	۴۲۸	۴۰۰۰
۵۰۰۰	۴۵۰۰	۷۷	۴۵۰۰

۴۵۰۰ کالری بیابا

اول کشورهایی که تولید فرآورده‌های کشاورزی و مواد غذایی آنها همواره بیش از مصرف داخلی و صادرکننده این محصولات میباشند گروه دوم کشورهایی که از لحاظ تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی کم و بیش و خود کافی هستند و گروه سوم کشورهایی که همواره برای تغذیه جمعیت خود به واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی از خارج نیازمندند.

در راس گروه اول ایالات متحده آمریکا قرار دارد که به معنی واقعی کلمه بزرگترین انبار آذوقه دنیا است. آمریکا با زمین‌های حاصلخیز و پیشرفته‌ترین سیستم کشاورزی مکانیزه استعداد فراوانی برای افزایش محصولات کشاورزی خود دارد و با افزایش سریع نیاز جهان به مواد غذایی بر تولید و صدور محصولات کشاورزی و مواد غذایی می‌افزاید: در سال ۱۹۷۲ ارزش صادرات تولیدات کشاورزی آمریکا در حدود ۸ میلیارد دلار بود، که در سال ۱۹۷۳ به ۱۳ میلیارد دلار بالغ شده و در سال جاری به حدود بیست میلیارد دلار خواهد رسید. این ارقام علاوه بر افزایش میزان احتیاج جهان و کمیت صادرات آمریکا افزایش قیمت مواد غذایی و محصولات کشاورزی را هم منعکس می‌سازد که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

برای پی بردن به نقش حیاتی آمریکا در تامین مواد غذایی جهان کافی است به چند رقم عمده از سهم آمریکا در بازرگانی جهانی محصولات عمده کشاورزی اشاره کنیم. آمریکا در حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد صادرات لوبیای سویا ۷۰ تا ۷۵ درصد صادرات ذرت و ۵۰ تا ۵۵ درصد صادرات گندم جهان را تامین مینماید. بطور مثال در سال جاری میزان صادرات گندم به نقاط مختلف جهان در حدود ۶۶ میلیون تن تخمین زده شده که بیش از ۳۳ میلیون تن آن از آمریکا صادر خواهد شد

کثرت بازرگانی در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی و استرالیا و حاصلخیزی زمین‌های آنها که در برابر خشکی هوای بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا امکانات وسیعتری برای تولید محصولات کشاورزی و دامپروری بدست میدهد.

۲- استفاده از روش‌های پیشرفته کشاورزی و مصرف بذر خوب و کودهای شیمیایی بقدر کافی و بکاربردن روش‌های موثر در مبارزه با آفات نباتی که هر یک بنوبه خود عامل موثری در افزایش بازدهی محصول میباشد.

۳- وسائل حمل و نقل کافی و انبارها و سردخانه‌های مجهز که از فساد و از میان رفتن محصول جلوگیری مینماید، در حالیکه قسمت قابل توجهی از محصول کشاورزان و دامداران کشورهای در حال توسعه آسیا و افریقا و آمریکای جنوبی بعلت نداشتن وسائل کافی برای حمل به بازارهای مصرف و فقدان انبارهای مجهز برای ذخیره مواد غذایی فاسد شده و از میان میرود.

۴- علاوه بر عوامل فوق‌الذکر که موجب رونق و فراوانی محصولات کشاورزی و مواد غذایی در کشورهای پیشرفته است بار دیگر باید به عامل جمعیت باز گردیم: در کشورهای پیشرفته بعلت رشد بطئی و کنترل شده جمعیت نسبت رشد محصولات کشاورزی و مواد غذایی همواره بیش از نسبت افزایش جمعیت است، در حالیکه میزان افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه به نسبت رشد تولیدات کشاورزی و دامپروری آنها همواره بیشتر - و در بعضی موارد تا دو برابر است!

انبار آذوقه جهان کجاست؟

با توجه به عواملی که گفته‌اند مناطق مختلف جهان از نظر تولید و مصرف محصولات کشاورزی و مواد غذایی به سه گروه تقسیم میشوند: گروه

پانصد میلیون نفر جمعیت ۱۰۸ میلیون تن غله تولید کرده بود، در حالیکه محصول غله سال گذشته چین به ۲۵۰ میلیون تن بالغ شده و در سال جاری نیز ۷۵۵ میلیون تن از محصول سال گذشته تجاوز خواهد کرد. به این ترتیب تولید غله در چین طی بیست و پنج سال نزدیک به دو برابر و نیم افزایش یافته، در حالیکه نسبت افزایش جمعیت در این مدت کمتر از دو برابر بوده و خطر قحطی بکلی از چین رخت بر بسته است.

هند، دومین کشور پر جمعیت جهان نیز با انقلاب سبزی که چند سال قبل آغاز نمود سعی کرد خود را به جمع ممالک خود کافی از نظر محصولات کشاورزی برساند، لیکن در این راه توفیق کافی نیافته و با وجود اینکه هنوز قسمتی از غله مورد نیاز خود را از خارج وارد مینماید اکثریت مردم این کشور دچار کمبود مواد غذایی و گرسنگی مزمن هستند،

گروه سوم، یعنی کشورهایی که تقریباً بطور دائم نیازمند واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی از ممالک دیگر جهان هستند بیش از یک سوم جمعیت جهان را در بر میگیرند. میزان صادرات غله جهان که معرف نیاز کشورهای وارد کننده و میزان کمبود تولید در کشورهای گروه دوم و سوم میباشد تا اواخر دهه ۱۹۶۰ در حدود پنجاه تا شصت میلیون تن بود. ولی این رقم اکنون در سالهای عادی بین ۶۵ تا ۸۵ میلیون تن و در سالهای بد از نظر محصولات کشاورزی تا یکسده میلیون تن بالغ میگردد.

نگاهی به آینده:

بموجب بررسی‌هایی که از طرف سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی بعمل آمده است تقاضای جهان به مواد غذایی تا پایان دهه ۷۰ و در طول دهه ۸۰، بطور متوسط سالانه ۲/۶

بعد از آمریکا نوبت به کانادا و استرالیا میرسد که قسمت مهمی از احتیاجات مواد غذایی جهان را تامین میکنند و از این سه کشور که بگذریم سایر کشورهای تولید کننده محصولات کشاورزی و مواد غذایی مقدار کمی از احتیاجات جهان را به این مواد تامین مینمایند، که از آنجمله میتوان بعضی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه و هلند یا بعضی از ممالک اروپای شرقی را نام برد.

کشورهای «خود کافی» و ممالکی که همیشه وارد کننده محصولات کشاورزی هستند.

گروه دوم، یعنی کشورهایی که از لحاظ تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی تقریباً «خود کافی» محسوب میشوند بر اثر تغییر شرایط اقلیمی گاهی وارد کننده محصولات کشاورزی میشوند و گاه بر اثر مساعد بودن شرایط و خوبی محصول مقداری از تولیدات خود را صادر مینمایند بطور مثال شوروی که از کشورهای این گروه بشمار می آید در سال ۱۹۷۲ بر اثر خشکسالی در حدود ۱۵ میلیون تن گندم و ذرت از آمریکا وارد کرد و در سال بعد، یعنی ۱۹۷۳ هم در حدود ۷ میلیون تن غله از آمریکا خریداری نمود که این معاملات کلان خود موجب بر هم خوردن تعادل بازرگانی فرآورده‌های کشاورزی و افزایش سطح قیمت‌ها در بازارهای جهانی شد.

کشور پهناور و پر جمعیت چین نیز که بموجب آخرین آمارها جمعیت آن به ۹۰۰ میلیون نفر نزدیک شده است اکنون در ردیف کشورهای «خود کافی» از نظر محصولات کشاورزی و مواد غذایی بشمار می آید و این بزرگترین موفقیت رهبران کنونی چین در مدت یکسریه قرن است که از استوار حکومت کمونیستی در چین میگذرد: در سال ۱۹۴۹ چین با قریب

افریقا، خاور نزدیک و خاور دور ۲۰ تا ۲۵ درصد مردم از سوء تغذیه و کمبود کالری لازم برای انجام فعالیت‌های حیاتی خود رنج می‌برند. این نسبت را با توسعه فعالیت‌های کشاورزی و تقسیم عادلانه تولیدات کشاورزی بین ملل جهان میتوان کاهش داد، لیکن در صورت اجرای همه برنامه‌هایی که تاکنون تنظیم شده باز هم در سال ۱۹۸۵ سی و چهار کشور جهان با جمعیتی در حدود ۷۰۰ میلیون نفر با کمبود مواد غذایی مواجه خواهند شد.

دو مشکل دیگر:

پیش از آنکه به راه‌حلهایی که برای رفع مشکلات فعلی به کنفرانس رم پیشنهاد خواهد شد اشاره کنیم دو مشکل مزگ دیگر مربوط به امر تغذیه‌ها که در سالهای اخیر بوجود آمده است یاد آوری مینمائیم. این دو مشکل یکی افزایش سرسام‌آور بهای محصولات کشاورزی و مواد غذایی و دیگری خالی شدن انبارهای ذخیره غله و مواد غذایی است. در سال ۱۹۷۲ قیمت یک تن گندم در بازارهای بین‌المللی ۷۵ دلار بود که در سال گذشته ناکهان به ۱۵۰ دلار افزایش یافت و در اوایل سال ۱۹۷۴ به دوپست دلار رسید. برنج در سال

درصد افزایش خواهد یافت که ۲ درصد آن مربوط به افزایش متوسط جمعیت در سطح جهانی و ۰٫۶ درصد مربوط به توسعه اقتصادی و افزایش قدرت خرید مصرف‌کنندگان میباشد. البته این نسبت در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال رشد تفاوت زیادی دارد: در کشورهای پیشرفته با توجه به رشد بطنی جمعیت افزایش تقاضا در دو دهه آینده در حدود ۱٫۶ درصد برآورد شده در حالیکه در ممالک در حال رشد این نسبت ۳٫۷ درصد میباشد. بیک حساب دیگر تقاضای جهان به مواد غذایی که در سال ۱۹۷۰ قریب ۱۲۰۰ میلیون تن بوده در سال ۱۹۸۵ به حدود ۱۷۰۰ میلیون تن خواهد رسید که از این میان مصرف کشور های در حال رشد از ۶۰۰ میلیون تن در سال ۱۹۷۰ به ۹۰۰ میلیون تن در سال ۱۹۸۵ افزایش می‌یابد در حالیکه مصرف کشورهای پیشرفته در همین فاصله زمانی از ۶۰۰ میلیون تن به ۷۸۰ میلیون تن خواهد رسید. در حال حاضر از ۹۷ کشور جهان که در جمع کشورهای در حال رشد قرار گرفته‌اند ۶۱ کشور از نظر مواد غذایی و محصولات کشاورزی دچار کمبود هستند و در بسیاری از کشورهای

هزینه سالانه تغذیه سک و گربه های آمریکائی بیش از درآمد

ملی سالانه بسیاری از کشور های آسیائی و آفریقائی است !

در حالیکه نیمی از مردم جهان از سوء تغذیه و کمبود مواد غذایی رنج می‌برند اسراف در مصرف مواد غذایی در بعضی از کشورهای اروپا و آمریکا بجای خود رسیده و ایالات متحده آمریکا نمونه بارز این اسراف بشمار می‌آید.

بموجب گزارشی که اخیراً در روزنامه نیویورک تایمز انتشار یافت در یکسال گذشته (۱۹۷۳) آمریکا تنها بیش از ۱۹۰۰ میلیون دلار صرف تغذیه سک و گربه و سایر انواع حیوانات خانگی کرده‌اند.

از این مبلغ تنها ۱۱۰ میلیون دلار صرف خرید غذای سک و ۴۷۰ میلیون دلار صرف خرید غذای مخصوص گربه شده است.

۵۷ درصد خانواده های آمریکائی سک و گربه در خانه خود دارند و متوسط هزینه سالانه غذای هر سک و گربه در آمریکا به ۳۲ دلار بالغ میشود که از هزینه غذای صدها میلیون انسان آسیائی و آفریقائی بیشتر است.

بوی که در سال ۱۹۷۴ صرف تغذیه سک و گربه های آمریکائی خواهد شد از مرز دو هزار میلیون دلار تجاوز خواهد کرد که بیش از درآمد ملی دهها کشور آفریقائی است !

پیش بینی نمود، معهذاً چنین بنظر میرسد که راه حل های پیشنهادی بیشتر روی موارد اساسی زیر دور خواهد زد:

۱- یک سازمان جهانی مواد غذایی برای هم آهنگ ساختن فعالیت های مربوط به افزایش تولید کشاورزی و مواد غذایی و توزیع صحیح و عادلانه مواد غذایی در جهان بوجود آید.

۲- با اجرای طرح های توسعه کشاورزی و دامپروری در مناطق مستعد جهان نسبت افزایش تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی طی دوازده سال آینده به ۳۶ درصد افزایش داده شود. برای اجرای این طرح ها صرف اعتباری در حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال ضروری است

۳- تولید کود شیمیایی با جلب کمک و حمایت کشورهای صادرکننده نفت افزایش یابد. در سال جاری تولید کود شیمیایی بی هائسه افزایش قیمت نفت کاهش یافته و بهیای آن روبره افزایش است.

۴- با ایجاد سیلوا و انبارهای جدید و مجهز در سراسر جهان برای حفظ و نگاهداری محصولات کشاورزی و مواد غذایی از فاسد شدن و اتلاف محصولات اضافی که در سالهای خوب بدست می آید جلوگیری شود. ایجاد چنین سیلوا و سردخانه های مخصوص در ممالک واردکننده غله و مواد غذایی که در خطر قحطی و گرسنگی هستند ضروری است.

۵- برای استفاده حداکثر از مواد غذایی و حیوانات دریایی طرح های تازه ای در سطح جهانی بموقع اجرا گذشته شود و از آلودگی آب دریاها و رودخانه ها که مانع رشد و افزایش ماهیها و انواع حیوانات دریایی است جلوگیری بعمل آید.

۶- برای کنترل افزایش جمعیت و کاهش میزان رشد آن در کشورهای روبره توسعه تلاش بیشتری بعمل آید، زیرا بدون توفیق در این امر تمام اقدامات دیگر برای مبارزه با گرسنگی و حل مشکلات تغذیه در جهان خنثی خواهد شد.

۱۹۷۲ ازقرارتی ۱۳۰ دلار در بازارهای جهانی معامله میشد که در سال ۱۹۷۳ تا ۲۸۰ دلار افزایش یافت و اکنون از مرز سیصد دلار گذشته است. بهای محصولات دیگر کشاورزی و مواد غذایی مانند دانه های روغنی و شکر و گوشت و لبنیات هم به این نسبت روبره افزایش نهاده است.

بسیاری از کشورهای واردکننده مواد غذایی و تولیدات کشاورزی در برابر این افزایش سرسام آور قیمت هادچار وضع اسفناکی شده اند: طبق برآوردهائی که شده است کشورهای درحال توسعه (باستثنای ممالک صادرکننده نفت که میتوانند بهای گران محصولات کشاورزی و مواد غذایی را با افزایش درآمد نفت پردازند) در سال جاری باید در حدود ۹۰۰۰ میلیون دلار برای خرید غله و مواد غذایی پردازند، در حالیکه سال گذشته رقم پرداخت های آنها قریب ۷۰۰۰ میلیون دلار بوده و در سال ۱۹۷۲ کمتر از یک سوم پرداخت سال جاری یعنی ۲۸۰۰ میلیون دلار بوده است.

این افزایش سرسام آور قیمت های محصولات کشاورزی و مواد غذایی بیشتر ناشی از قانون ساده اقتصادی افزایش تقاضا و کمی عرضه است، که متشاه آن خریدهای کلان غله آمریکا از طرف شوروی در سالهای گذشته میباشد. پراثر این خریدها موجودی انبارهای غله کشورهای صادرکننده از حد متوسط پنجاه میلیون تن در سالهای ۷۲-۱۹۷۱ به رقم ۲۹ میلیون تن در سال ۷۳-۱۹۷۲ تنزل کرد و این رقم در سال جاری هم رو به تنزل است.

راه حل هایی که پیشنهاد میشود:

در کنفرانس مواد غذایی رم پیشنهاد های متعددی برای حل مشکلاتی که با خنصاریان شد ارائه خواهد شد که قبل از تشکیل کنفرانس و انجام مباحثات آن نمیتوان جزئیات آنرا